

بررسی زیورآلات دوره ساسانی شمال ایران، حاصل کاوش‌های علمی باستان‌شناسی

سهیل احمدی‌واستانی^۱، جبرئیل نوکنده^{۲*}، مصطفی ده‌پهلوان^۳

چکیده

انسان در هیچ مرحله‌ای از توسعه تمدن، قادر نبوده است که خود را از زیورآلات و اشیا تزئینی جدا سازد. دوره ساسانی را می‌توان به عنوان دوره اوج هنر صنعت و فلزکاری ایران قبل از اسلام نام برد؛ هنر جواهرسازی و ساخت زیورآلات در این دوره به اوج کمال خود رسید. طی کاوش‌های باستان‌شناختی انجام شده در گورستان‌های دوره ساسانی شمال ایران، مجموعه‌ای از زیورآلات به دست آمده که بیانگر هنر و فرهنگ اقوام ساکن در این منطقه در دوره ساسانی است. پرسش اصلی این است که تأثیر جایگاه اجتماعی و اقتصادی افراد بر روی گورآوندها و همچنین فن ساخت و نقوش روی زیورآلات منطقه شمال ایران در دوره ساسانی چگونه بوده است؟ هدف از این پژوهش، بررسی و تحلیل زیورآلات از لحاظ نوع جنس، فن ساخت و نوع نقوش به کار رفته است تا تصویر کلی از اوضاع اقتصادی، سیاسی و اجتماعی دوره ساسانی شمال ایران به دست آید. پژوهش حاضر با روش توصیفی - تحلیلی و ترکیبی از مطالعات موزه‌ای و کتابخانه‌ای انجام شد. نتایج بیانگر آن است که برخی از گورها با زیورآلات بی‌ارزش و برخی دیگر دارای زیورآلات با ارزش تری نسبت به گورها دیگر هستند. این مسأله بیانگر یک تضاد طبقاتی بارز بین مردمان این منطقه است که در دوره‌ی ساسانی زندگی می‌کردند. در ساخت این اشیاء از روش ریخته‌گری، چکش‌کاری، ملیله‌کاری، لحیم‌کاری و در تزئینات زیورآلات از نقوش جانوران افسانه‌ای، جانوری، گیاهی، انسانی و هندسی استفاده شده است.

واژه‌های کلیدی: زیورآلات، گورستان، ساسانی، شمال ایران.

ارجاع: احمدی‌واستانی س.، نوکنده ج.، ده‌پهلوان م. ۱۴۰۰. بررسی زیورآلات دوره ساسانی شمال ایران، حاصل کاوش‌های علمی باستان‌شناسی. نشریه جستارهای باستان‌شناسی ایران پیش از اسلام، ۶ (۲): ۱۵۵-۱۶۸.

۱- دانشجوی دکتری باستان‌شناسی، گروه باستان‌شناسی، واحد علوم تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

۲- استادیار، گروه باستان‌شناسی، پژوهشگاه میراث و فرهنگی، تهران، ایران

۳- استادیار، گروه باستان‌شناسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

* نویسنده مسئول: jnokandeh@richt.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۱۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۱۶

مقدمه

بیان مسأله

یکی از روش‌های مطالعه در خصوص شرایط اجتماعی و اقتصادی و همچنین اعتقادی هر دوره در یک منطقه بررسی آثار هنری آن دوره است؛ چرا که این آثار نمایانگر تأثیرات فضای کلی آن دوره بوده و رابطه‌ای تنگاتنگ با شرایط حاکم بر آن منطقه دارد. در واقع آثار هنری دوران مختلف هر یک همانند منبعی تصویری است که بازتاب دهنده‌ی تأثیرات شرایط و اوضاع زمان خلقشان هستند، از جمله این آثار هنری زیورآلات هستند. هنر جواهرسازی و ساخت زیورآلات در ایران پیامد جامعه‌ی صنعت‌گر و هنرمندی است که آن را خلق و به نوعی شناساننده ذوق و اندیشه‌ی آن‌ها است. یکی از درخشان‌ترین دوره‌های تاریخ فرهنگ و تمدن ایران از نظر ترویج هنرهای گوناگون، دوره ساسانی است. هنر جواهرسازی و ساخت زیورآلات دوره ساسانی ذاتاً درباری بوده که همیشه در پی اثبات و پیوندش با سنن هخامنشی بوده و همواره در پی جلال و ستایش شخصیت پادشاه بوده است.

در کاوش‌های علمی باستان‌شناسی آثار و اشیای بسیار زیادی به دست می‌آید. بدون تردید مطالعه دقیق و علمی این آثار و اشیاء به منظور پی بردن به ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی اقوام پیشین ساکن هر منطقه لازم و ضروری است. از جمله مواد فرهنگی که طی این کاوش‌های علمی آشکار می‌شوند زیورآلات هستند. زیورآلات مجموعه وسیعی از اشیاء فرهنگی را شامل می‌شوند که علاوه بر جنبه‌ی تزئینی و تجملاتی، جنبه‌های جادویی و پزشکی نیز داشته است.

شمال ایران به دلیل موقعیت جغرافیایی خاص، در طول تاریخ همواره توجه قدرت‌های بزرگ را به خود جلب کرده است. این منطقه در دوره ساسانی نیز بسیار حائز اهمیت بوده و از همان ابتدا، تسلط بر آن برای حکومت ساسانیان به منظور تثبیت قدرت ضروری بوده است. این منطقه در دوره ساسانی گاهی به صورت یک ایالت، زیر نظر حکومت مرکزی بوده و گاهی به‌طور مجزا، ایالت مستقلی را تشکیل می‌داده است. در پی کاوش‌های باستان‌شناختی محوطه‌ها و گورستان‌های مربوط به دوره ساسانی شمال ایران تعداد زیادی زیورآلات کشف گردیده است.

اهداف و ضرورت پژوهش

هدف از این پژوهش، بررسی و تحلیل زیورآلات دوره ساسانی شمال ایران، از لحاظ نوع کاربری، شکل و خصوصیات ظاهری (گونه‌شناسی)، نوع جنس و فن‌آوری ساخت آن‌ها است. از آنجایی که تاکنون به طور مستقل پیرامون زیورآلات ساسانی مکشوفه از شمال ایران پژوهشی صورت نگرفته و بررسی زیورآلات، یک تصویر کلی از اوضاع اقتصادی، سیاسی و اجتماعی دوره ساسانی شمال ایران را برای ما روشن می‌سازد، انجام این پژوهش لازم و ضروری است.

پرسش و فرضیه

۱. تأثیر جایگاه اجتماعی و اقتصادی افراد بر روی گورآوندها خصوصاً زیورآلات به چه میزان بوده است؟ ۲. فن ساخت و نقوش زیورآلات بررسی شده به چه صورت است؟ با توجه به اینکه تعدادی از گورها دارای زیورآلات بیش‌تر و با ارزش‌تری نسبت به بقیه گورها هستند، بر همین اساس می‌توان گفت که برخی از افراد دفن شده از لحاظ جایگاه اجتماعی و اقتصادی بالاتری نسبت به سایر افراد بهره‌مند بوده‌اند. همچنین در ساخت این اشیاء از روش ریخته‌گری، چکش‌کاری و در تزئینات زیورآلات از نقوش جانوران افسانه‌ای، جانوری، گیاهی، انسانی و هندسی استفاده شده است.

روش تحقیق

پژوهش حاضر بر اساس هدف از نوع بنیادی و بر اساس ماهیت و روش، توصیفی-تحلیلی است. گردآوری اطلاعات به دو شیوه‌ی کتابخانه‌ای (شناسایی تمام اسناد و گزارش‌های مرتبط با تحقیق و مطالعه‌ی دقیق آن‌ها) و موزه‌ای انجام گرفته است.

پیشینه پژوهش

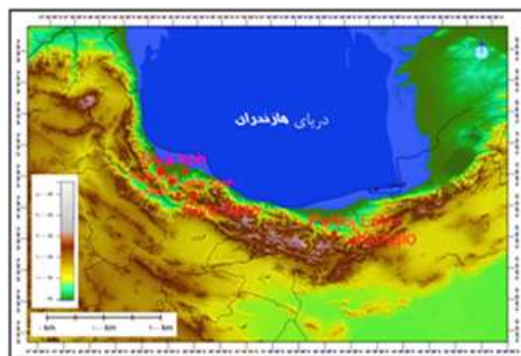
به لحاظ روش‌های مطالعاتی درباره‌ی زیورآلات دوره ساسانی، پژوهش‌هایی در سایر مناطق ایران مربوط به دوران مختلف صورت

گرفته است؛ مانند: ۱. جلیل ضیاءپور در کتاب «زیورهای زنان از دیرباز تاکنون» که در سال ۱۳۴۸ ه.ش. در تهران و وزارت فرهنگ و هنر به چاپ رسیده در بخش‌های مختلف کتاب به طور کلی مقاله زیورآلات مناطق مختلف ایران از جمله شمال کشور، مانند زیورآلات مارلیک، تپه حصار و به طور کلی به زیورآلات ایران زمین پرداخته است. ۲. کتابیون پلاسعیدی و فیروزه بابایی نژاد دریاسری، در مقاله‌ای با عنوان «باستان‌شناختی دوران تاریخی استان گیلان، با نگاهی به آثار بخش تاریخی موزه ملی ایران» که در مجموعه مقالات هشتاد سال باستان‌شناسی ایران در سال ۱۳۹۱ ش؛ در تهران به چاپ رساند، ۳. مهرآسا غیبی در کتاب با عنوان «سی و پنج هزار سال تاریخ زیورآلات اقوام ایرانی» که در سال ۱۳۹۱ ش. در انتشارات هیرمند به چاپ رسیده به زیورآلات اقوام ایرانی از دوران پارینه‌سنگی تا دوره معاصر در ایران پرداخته است. در این کتاب به زیورآلات مارلیک، تورنگ تپه گرگان و محوطه‌های باستانی دیگر پرداخته شده است، ۴. سامان سورتیچی در مقاله‌ای با عنوان «معرفی شیوه‌ی تدفینی از دوره ساسانی در قلعه کنگلو واقع در سوادکوه مازندران» که در سال ۱۳۹۰ ش. در مجله‌ی مطالعات باستان‌شناسی، دوره‌ی ۳، شماره ۲، پاییز و زمستان، شماره‌ی پیاپی ۴، صص ۷۷ تا ۹۲ به چاپ رسیده است، در قسمتی از این مقاله به توصیف زیورآلات مکشوفه دوره ساسانی پرداخته است. ۵. دکتر داریوش اکبرزاده و گروهی از پژوهش‌گران موزه ملی ایران در کتاب «آثار زرین و سیمین ایران به روایت موزه ملی ایران» که در سال ۱۳۹۱ ش؛ که در انتشارات پازینه به چاپ رسیده به بررسی آثار موجود در موزه ملی ایران از انواع آثار زرین و سیمین مکشوفات گیلان و گرگان و به طور کلی زیورآلات در هر دوره از پیش از تاریخ تا دوره تاریخی و اسلامی در تمدن‌های مختلف را بررسی کرده است. ۶. جمعی از کارشناسان موزه ملی ایران در کتاب «نگاهی بر آرایه‌ها و زیورآلات در ایران زمین به روایت آثار موزه ملی ایران» به چاپ رسیده در سال ۱۳۹۲ ش. انتشارات سفیران با تفکیک هر دوره از پارینه‌سنگی تا دوران اسلامی به معرفی زیورآلات پرداخته‌اند. ۷. فریبا فتحی‌پور در مقاله‌ای با عنوان «پژوهشی بر زیورآلات زنان و مردان عصر ساسانی» که در سال ۱۳۹۲ ش. در مجموعه مقالات همایش ملی باستان‌شناسی ایران، دستاوردها، فرصت‌ها، آسیب‌ها، دانشکده هنر دانشگاه بیرجند، صص ۱ تا ۱۸ به چاپ رسیده، به توصیف زیورآلات مردان و زنان در دوره ساسانی پرداخته است. از آنجایی که تاکنون به طور مستقل در خصوص زیورآلات ساسانی مکشوفه از گورستان‌های شمال ایران پژوهشی صورت نگرفته این پژوهش لازم و ضروری است.

جغرافیای منطقه پژوهش

شمال ایران از جنوب محدود به کوه‌های البرز و از شمال به دریای مازندران می‌رسد، این وضعیت سبب شده رطوبت حاصل از تبخیر دریا از منطقه خارج نشود. این رطوبت باعث بارندگی فراوان در تمام طول سال در منطقه شده و به دنبال آن زمین‌های نواحی جنوبی و کوه‌های آن سرسبز و پوشیده از جنگل و مراتع است. این منطقه در تقسیمات سیاسی و جغرافیایی حال حاضر شامل: استان گلستان، مازندران و گیلان است (شکل ۱). با توجه به شرایط اقلیمی، شمال ایران به سه منطقه جلگه‌ای، جنگلی و کوهستانی تقسیم می‌شود (فرهنگ جغرافیایی کوه‌های کشور، ۱۳۷۹: ۲۸۷).

محوطه‌ها و گورستان‌های دوره ساسانی شمال ایران که زیورآلات از آن به‌دست آمده است عبارت‌اند از: گورستان پهلوج لفور (عابدینی‌عراقی، ۱۳۸۶)، قلعه کنگلو (سورتیچی، ۱۳۹۰ و ۱۳۸۵)، گورستان لمه‌کش (یاسی، ۱۳۴۵)، محوطه سیاه‌دره، کلیشی، آغوزین (یاسی و صراف، ۱۳۴۵)، گورستان سیاه‌کوه، محوطه عمارلو (Moghadam, 1962) (نقشه ۱ و جدول ۱).



شکل ۱ - موقعیت شمال ایران و محوطه‌های دوره ساسانی (منبع، سازمان جغرافیایی کشور، ۱۳۷۹)

جدول ۱- اطلاعات مربوط به محوطه و گورستان‌های دوره‌ی ساسانی شمال ایران (مأخذ: نگارندگان)

شماره	نام محوطه	موقعیت مکانی محوطه	دوره	نام کاوش‌گر و سال کاوش	منبع
۱	پهلوج لغور	استان مازندران، شهرستان سوادکوه، روستای میرارکلا لغور	ساسانی	(عابدینی عراقی، ۱۳۸۷ ه.ش)	(عابدینی عراقی، ۱۳۸۶)
۲	قلعه کنگلو	استان مازندران، شهرستان سوادکوه، روستای کنگلو	ساسانی	(سورتیجی، ۱۳۸۵ ه.ش)	(سورتیجی، ۱۳۹۰ و ۱۳۸۵)
۳	لمه کش	استان گیلان، شهرستان رودبار، روستای کنده لات	ساسانی	(یاسی، ۱۳۴۵ ه.ش)	(یاسی، ۱۳۴۵)
۴	سیاه دره	استان گیلان، شهرستان رحمت‌آباد، روستای ناوه	ساسانی	(یاسی و صراف، ۱۳۴۵ ه.ش)	(یاسی و صراف، ۱۳۴۵)
۵	کلیشی	استان گیلان، شهرستان رودبار، روستای رشی	ساسانی	(یاسی و صراف، ۱۳۴۵ ه.ش)	(یاسی و صراف، ۱۳۴۵)
۶	آغوزین	استان گیلان، شهرستان رودبار، روستای نصفی	ساسانی	(یاسی و صراف، ۱۳۴۵ ه.ش)	(یاسی و صراف، ۱۳۴۵)
۷	سیاه کوه	استان گیلان، غرب شهرستان صومعه‌سرا	ساسانی	(مقدم، ۱۳۴۰ ه.ش)	(مقدم، ۱۳۴۰)
۸	عمارلو	استان گیلان، دهستان عمارلو، شهرستان رودبار	ساسانی	(مقدم، ۱۳۴۰ ه.ش)	(مقدم، ۱۳۴۰)
۹	رشی	استان گیلان، رودبار، روستای رشی	ساسانی	(گنجوی، یاسی و صراف، ۱۳۴۵ ه.ش)	(یاسی و صراف، ۱۳۴۵)

زیورآلات در دوره ساسانی

زیورآلات باستانی از هنرهای تزئینی و صنایع کهن ایران است که در ادوار درخشان هنر ایران، نمونه‌های ارزشمند و ماندگاری داشته و همواره وام‌دار نقش‌مایه‌ها و الگوهای رایج دوران بوده است (علائی، ۱۳۴۵: ۳۹). با توجه به عواملی چون ساختار پیچیده اجتماعات بشری و عوامل فردی، اجتماعی و اعتقاد به جنبه‌های جادویی و پزشکی زیورآلات، استفاده از انگشتری، گردنبند و گوشواره و سنگ‌ها شدت و اهمیت یافت و با تبادل کالاها و بازرگانی رواج و توسعه جهانی یافت. در دوره ساسانی، هنر طلا و جواهرسازی، مانند سایر هنرها به شکوفایی بسیار زیادی رسید. کیفیت و پیچیدگی و ظرافت زیورآلات مربوط به این دوره، گواه بر این امر است. بیش‌ترین تصاویری که از شاهان دوره ساسانی به‌دست‌آمده است، ریش خود را با حلقه‌ای ساده آراسته می‌کردند و نیز قلاب تزئینی گرد و بزرگی شنل گشادشان را نگه می‌دارد (Pope and Ackerman, 1930: 774) ساسانیان از زیورآلات به طور وسیع در مراسمی گوناگون از جمله ضیافت‌ها و مراسم شاهی، شکار و... استفاده می‌کردند. همچنین قلاب تزئینی، تاج، گوشواره، گردن‌آویز، دستبند، بازوبند و... زیورآلاتی بودند که میزان استفاده از آن نشان‌دهنده‌ی موقعیت و جایگاه اجتماعی فرد استفاده‌کننده بوده است (هینتس، ۱۳۸۵: ۱۶۱ و ضیاءپور، ۱۳۴۸: ۲۹۷). زیورآلات مکشوفه از گورستان‌های کاوش شده دوره ساسانی، سکه‌ها (هرمان، ۱۳۷۳: ۲۴۰) و پلاک‌های فلزی، مهرها، تندیس‌ها، نقاشی‌ها (پوپ و اکرم، ۱۳۸۷: ۱۲۰)، گچ‌بری‌ها و ظروف زرین و سیمین (بشقاب‌ها، کاسه‌ها، ابریق‌ها و...)، از شواهد باستان‌شناختی هستند که در بررسی و شناخت زیورآلات دوره ساسانی اهمیت بسیار بالایی دارند. جواهرات و سنگ‌های قیمتی که در ساخت زیورآلات و مهرها استفاده می‌شد مختص شاهان بوده و کسی حق استفاده از آن‌ها را نداشته است، چنانچه این زیورآلات نوعی نشانه و علائم بزرگی فرد استفاده‌کننده محسوب می‌شوند و استفاده از کمربند، حلقه سگک و سایر علائم بزرگی مستلزم اجازه و تصویب شاه بوده است (ویسپوهر، ۱۳۹۰: ۲۱۷).

بحث و تحلیل داده‌ها

در کاوش علمی باستان‌شناسی محوطه‌ها و گورستان‌های دوره ساسانی شمال ایران، زیورآلاتی نظیر؛ گردنبند، انگشتر، دستبند، گوشواره، قاب دعا، قلاب کمربند (جدول ۲) به دست آمده است.

جدول ۲- اطلاعات مربوط به زیورات دوره ساسانی شمال ایران (مأخذ: نگارندگان)

شماره	نوع شیء	تصویر	جنس	محل کشف	دوره	نقش
۱	گردنبند		خمیرشیشه	عمارلو، استان گیلان	ساسانی	مهرهایی به شکل مدور، بیضی که روی آن‌ها دوایر آبی و مشکی نقش شده
			طلا و سنگ کبود	عمارلو، استان گیلان	ساسانی	به شکل رشته‌ای و سنگ کبود در وسط آن
			طلا و سنگ	عمارلو، استان گیلان	ساسانی	یک‌مهره استوانه‌ای سنگی که دو سر آن با سرپوش طلا بسته شده است.
			خمیرشیشه	عمارلو، استان گیلان	ساسانی	گردنبند با مهره‌هایی از جنس خمیرشیشه
			خمیرشیشه	قلعه کوتی، استان گیلان	ساسانی	گردنبند با مهره‌هایی از جنس خمیرشیشه.
			عقیق، سنگ‌های دیگر	سیاه دره، استان گیلان	ساسانی	یک‌رشته گردنبند با مهره‌هایی از جنس عقیق سنگ‌های دیگر.
			مفرغ	سیاه دره، استان گیلان	ساسانی	آویز مستطیل شکل مشبک با سه حلقه آویز
			نقره و سنگ عقیق	قلعه کنگلو، شهرستان سوادکوه	ساسانی	این انگشتر کاربری مهر داشته و روی سنگ نگین آن کلمه فر با خط پهلوی ساسانی نقر شده است.
۲	انگشتر		طلا و سنگ عقیق	عمارلو، استان گیلان	ساسانی	بر روی سنگ نگین این انگشتری سر یک زن کنده کاری شده است.
			مفرغ	سیاه دره، استان گیلان	ساسانی	روی انگشتر نقش بز کوهی حک شده است.
			مفرغ	سیاه دره، استان گیلان	ساسانی	ساده و دارای تعدادی خطوط روی آن
			طلا	عمارلو، استان گیلان	ساسانی	دو سر این دستبند با نقش سر مار که روی هم قرار گرفته تزئین شده و بدنه دارای نقش زیگزاک است.

بر روی بدنه این دستبند تزیینات حصیری نقش شده است.	ساسانی	پهلوج لفور، سوادکوه، مازندران	مفرغ		دستبند	۳
دستبند از مهره‌های ریز به رنگ آبی از جنس فیروزه	ساسانی	پهلوج لفور، سوادکوه، مازندران	سنگ فیروزه			
به صورت حلقه‌ای ساده دهانه باز	ساسانی	سیاه دره، استان گیلان	مفرغ			
ساده با لبه‌ای برگشته و مهره‌ای آهنی در وسط	ساسانی	سیاه دره، استان گیلان	مفرغ			
دستبند به شکل مارپیچ	ساسانی	سیاه دره، استان گیلان	مفرغ			
دو سر دستبند باز است و در مرکز با تعدادی سنگ تزیین شده است.	ساسانی	عمارلو، گیلان	طلا، سنگ		گوشواره	۴
گوشواره مفتولی ساده، لبه برگشته به شکل حلقه‌ای	ساسانی	سیاه دره، استان گیلان	مفرغ			
گوشواره ساده حلقه‌ای، دارای برجستگی جای آویز	ساسانی	سیاه دره، استان گیلان	مفرغ			
بدنه قاب از دایره متعدد کنار یکدیگر است. دو حلقه در دو طرف برای آویزان کردن به دور گردن	ساسانی	پهلوج لفور، سوادکوه	نقره		قاب دعا	۵
بیضی شکل با خطوط برجسته موازی روی آن و سنجاقی در وسط	ساسانی	رشی، استان گیلان	مفرغ		قلاب کمر بند	۶
دو طرف قلاب به شکل بیضی، با دو سنجاقی پهن در وسط	ساسانی	رشی، استان گیلان	مفرغ			
به شکل لنگر کشتی و سوراخی در وسط و سنجاقی در وسط	ساسانی	رشی، استان گیلان	مفرغ			
بیضی شکل با سنجاقی منحنی	ساسانی	سیاه دره، استان گیلان	مفرغ			
دو طرف قلاب به شکل بیضی، با دو سنجاقی پهن در وسط	ساسانی	رشی، استان گیلان	مفرغ			

گردن‌بندها

اعتقاد به رفع شر و بلا از ادوار گذشته در میان مردمان هر منطقه وجود داشته و انسان همواره به دنبال راهی برای غلبه بر نیروهای ناشناخته در طبیعت که او را محصور کرده بود می‌گشت. به همین خاطر و به دلیل وجود خواصی که در برخی از

سنگ‌ها و مهره‌ها وجود داشته از آن به صورت زیورآلاتی به صورت گردنبند استفاده می‌کرده است. گردنبند نماد پیوند میان کسی است که آن را بر گردن بسته با کسی که آن را هدیه داده است (شوالیه و گریبان، ۱۳۷۹، ج ۴: ۷۰۳). از محوطه‌ها و گورستان‌های دوره ساسانی شمال ایران، تعداد زیادی گردن‌بند که از مهره‌هایی با جنس طلا، نقره، مفرغ، آهن، سنگ‌های قیمتی و نیمه قیمتی، خمیرشیشه، گل پخته، صدف، مروارید و سنگ، در ابعاد مختلف و به شکل‌های مدور، بیضی، مربع و مستطیل به دست آمده است. این مهره‌ها دارای سوراخ در کنار هم است که محل عبور تسمه برای نگه‌داری این مهره‌ها بوده است. مهره‌هایی معروف به چشم‌بلبلی، از زیورآلات مرسوم در شمال ایران است. از جمله زیورآلات کشف شده در این منطقه، گردنبندها و آویزهای زیبایی است که در ساخت آن‌ها تنوع و جذابیت زیادی به کار رفته است. در ادامه به سه نمونه زیبا از این گردنبندها که از گورستان عمارلو و سیاه دره استان گیلان به دست آمده است می‌پردازیم: نمونه اول: گردن‌بند مکشوفه از گورستان عمارلو از جنس طلا و سنگ و به صورت رشته‌ای بوده است. این گردن‌بند با طول ۳۴ سانتی‌متر و وزن ۳۶/۳ گرم و به شماره ثبتی ۲۴۹۲ در موزه ملی نگه‌داری می‌شود (پلاسعدی و همکاران، ۱۳۹۱: ۵۳۳). مرکز این گردن‌بند با یک نگین سنگی (تیره‌رنگ و قیمتی) درشت تزیین شده است. ظرافت خاصی در ساخت این گردن‌بند به کار رفته است. فن ساخت این گردن‌بند به روش ریخته‌گری بوده و دو انتهای گردن‌بند توسط دو قلاب به هم وصل شده است (شکل ۲ الف). نمونه دوم: آویز نیافته از گورستان عمارلو از جنس سنگ و طلا و به شکل استوانه‌ای بوده است. این مهره با طول ۵ سانتی‌متر، قطر ۲ سانتی‌متر و وزن ۵۰ گرم و به شماره ثبتی ۱۵۲۶ در موزه ملی نگه‌داری می‌شود. فن ساخت این مهره به روش تراشکاری و ریخته‌گری بوده، ابتدا سنگ را به شکل استوانه تراش داده و سپس در دو انتهای آن دو در پوش طلایی قرار داده‌اند، روی هر دو پوش حلقه‌ای دایره‌ای وجود دارد که محل عبور تسمه برای آویزان کردن به دور گردن بوده است (شکل ۲ ب). نمونه سوم: آویز مکشوفه از گورستان سیاه دره از جنس مفرغ و به شکل مستطیل مشبک بوده است. این آویز با طول ۲/۴ سانتی‌متر، به شماره ثبتی ۳۶۹۶ در موزه ملی نگه‌داری می‌شود. فن ساخت این آویز به روش ریخته‌گری بوده است روی آویز علائم منقوش مشاهده می‌شود ولی به دلیل اکسیداسیون کاملاً قابل تشخیص نیست.

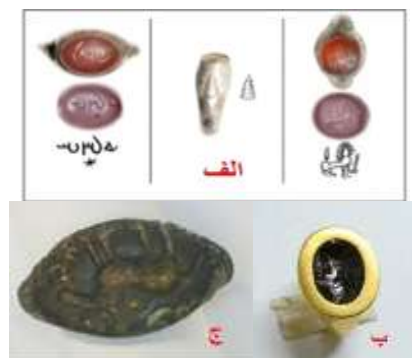


شکل ۲- گردن‌بند و آویز، عمارلو، سیاه دره گیلان، ساسانی (منبع: آرشیو موزه ملی)

انگشتری‌ها

انگشتر علاوه بر کاربری زیور و کاربرد مهر داشته‌اند، همچنین انگشتر مهرها مدارک مهمی دال بر وجود صنعت و حرفه و فعالیت‌های تجاری به شمار می‌آمده است. نقش حک شده بر سطح مهر علاوه بر جنبه‌های هنری به عنوان یک نشان، علامت شخصی به جای امضاء و همچنین برای محفوظ نگه‌داشتن مکتوبات و بسته‌های امانات، ضمانت‌نامه، خرید و محاسبه استفاده می‌شده است (چنگیز و بلخاری‌قهی، ۱۳۹۵: ۸). در پی کاوش‌های باستان‌شناسی انجام‌شده در گورستان‌های دوره ساسانی در منطقه ذکر شده تعدادی انگشتری از جنس طلا، نقره، مفرغ و با نگین‌هایی از سنگ عقیق، خمیرشیشه به دست آمده است. در ادامه به سه نمونه زیبا از این انگشتری که از گورستان قلعه کنگلو سوادکوه، عمارلو و سیاه دره استان گیلان به دست آمده است، می‌پردازیم. از گور قلعه کنگلو تعداد شش عدد انگشتر نقره به شکل ساده یا رکاب‌دار با نگین‌هایی از جنس خمیرشیشه و عقیق به دست آمده است. این انگشتری‌ها ساده و گاهی دارای تزیینات نظیر تصویر جانوری افسانه‌ای (گریفون) با بدن شیر، منقار، پنجه و بال عقاب، نقش آتش‌دان و خطوط هندسی و مثلث‌های داخل هم روی بدنه‌ی انگشتری‌ها و نگین آن‌ها است. نمونه اول: منحصر به فردترین انگشتر در این مجموعه، انگشتری با نگین عقیق سرخ با کاربری مهر است که دارای کتیبه‌ای به خط پهلوی از نوع پیوسته یا پهلوی کتابی و همچنین علامتی به شکل خورشید شش پر است. کلمه نقر شده روی نگین، «فرهی یا فرخی» خوانده شده که از ریشه فره به معنای زیاد، بسیار، فراوان و تمام است. به نظر می‌رسد هدف از نقر این واژه و

نقش خورشید، طلب شکوه برای صاحب خود و یا به عنوان نشان خانوادگی بوده است. شاید نقش سروری که در دو سوی انگشتری‌ها نقر گردیده است (شکل ۳ الف). فن ساخت این انگشترها به روش ریخته‌گیری و تزیینات روی آن‌ها با استفاده از فن ضربه‌ای حک شده است (سورتیجی، ۱۳۹۰: ۸۸-۸۹). نمونه دوم: انگشتری مکشوفه از گورستان عمارلو از جنس طلا با نگینی از سنگ عقیق است. این انگشتر با طول ۲/۲ سانتی‌متر، عرض ۲/۵ سانتی‌متر، قطر پایه ۱/۷ سانتی‌متر و وزن ۱۰ گرم به شماره ثبتی ۳۶۹۶ در موزه ملی نگهداری می‌شود. روی نگین این انگشتر تصویر صورت انسان کنده‌شده که یادآور سنت‌های هنری یونانی است. این گونه زیورآلات مختص مردان بوده چرا که هم تصویر مرد شکل گرفته بر انگشتر و هم اندازه و ضخامت زیاد انگشتر، نشان انگشتر مردانه است. فن ساخت این انگشترها به روش ریخته‌گیری و تزیینات روی سنگ نگین آن با استفاده از فن ضربه‌ای (قلم و چکش) حک شده است. در این روش بعد از ساخت انگشتر نگین تراش‌خورده در جای خود قرار داده و سپس لبه دور آن را به وسیله قلم بر روی نگین برگردانده و آن را جای خود محکم کرده‌اند (شکل ۴ ب). نمونه سوم: انگشتری مکشوفه از گورستان سیاه دره از جنس مفرغ است. این انگشتر با قطر ۲ سانتی‌متر و وزن ۵ گرم به شماره ثبتی ۲۶۵۵ در موزه ملی نگهداری می‌شود. فن ساخت این انگشتر به روش ریخته‌گری است. روی این انگشتر نقش گوزن گیاه مشاهده می‌شود (شکل ۳ ج).



شکل ۳- انگشتر، قلعه کنگلو (سورتیجی، ۱۳۹۰: ۸۹) و انگشتر طلا، عمارلو، مفرغ سیاه دره (منبع: آرشیو موزه ملی، ۱۴۰۰)

دست‌بندها (النگوها)

دست‌بندها از جمله زیورآلاتی هستند که دارای تنوع گوناگونی بوده و گاهی دارای نقش نمادین و آیینی است. این اشیاء پیش از کشف فلز با چوب، سنگ و بعدها گل که قدرت انعطاف‌پذیری فراوان داشته، ساخته می‌شدند که پس از کشف فلز دارای تنوع و گوناگونی بیشتری بوده و تزیینات بیشتری می‌یافتند. در پی کاوش‌های باستان‌شناسی انجام‌شده در محوطه‌ها و گورستان‌های دوره ساسانی شمال ایران تعداد زیادی دست‌بندها (النگوها) از جنس طلا، نقره، مفرغ به دست آمده است. این دست‌بندها دارای اندازه مختلف و عموم ساده هستند. این دست‌بندها به شکل حلقه‌هایی دو سر باز و روی هم قرار گرفته ساخته شده و بسیاری از این دست‌بندها ساده و برخی دارای نقش و تزیینات هستند. در میان این حلقه‌های ساده نمونه‌هایی با تزییناتی از قبیل نقوش زیگزاک، ردیف دایره‌های متوالی و مثلث‌ها به صورت کنده و یا افزوده دارند. در برخی از نمونه‌های مکشوفه دست‌بندها دو سر تزیینی دارند که این سرها عموماً با نقش سر مار و یا سر حیوانات دیگر که در عین سادگی با ظرافت خاصی طراحی گردیده است. در ادامه به چند نمونه زیبا از این دست‌بندها (النگوها) که از عمارلو و سیاه دره استان گیلان و پهلوج لفور سوادکوه به دست آمده است می‌پردازیم؛ نمونه اول: دست‌بند (النگو) مکشوفه از گورستان عمارلو از جنس طلا و به شکل مدور است. این دست‌بند با قطر بدنه ۷/۵ سانتی‌متر، وزن ۷۰ گرم و به شماره ثبتی ۱۵۴۰ در موزه ملی نگهداری می‌شود. دو سر دست‌بند به شکل سر مار بوده و به سمت بیرون برگشته است. روی بدنه دست‌بند شیارهایی به شکل زیگزاک با استفاده از فن ضربه‌ای حک شده است (شکل ۴ الف). فن ساخت این دست‌بند به روش چکش‌کاری بوده است. این دست‌بند ویژگی بومی محلی را در این سرزمین نشان می‌دهد. وجود زمین‌های کشاورزی و منابع آبی فراوان در این سرزمین دلیلی بر وجود حیواناتی مانند مار است. نمونه دوم: دست‌بند (النگو) مکشوفه از گورستان عمارلو از جنس طلا است. این دست‌بند با ضخامت ۲/۶ سانتی‌متر، طول ۷ سانتی‌متر، قطر بدنه ۸ سانتی‌متر، وزن ۳۵/۸ گرم و به شماره ثبتی ۲۴۹۳ در موزه ملی نگهداری می‌شود.

دو سر دست‌بند باز بوده و در مرکز جای تعدادی نگین دارد که فقط دو عدد نگین آبی رنگ باقی‌مانده است. بدنه دست‌بند با شیارهای برجسته به صورت مدور و افقی تزیین شده است. برای ساخت این دست‌بند ابتدا طلا به شکل ورق درآمده و سپس دور یک لوله‌ای از جنس سرب که به شکل دست‌بند در آمده پیچیده شده و سپس لحیم‌کاری شده، سرب در اثر حرارت ذوب شده و از داخل دست‌بند خارج شده و سپس شیارها با قلم روی کار ایجاد شده‌اند. برای قرار دادن سنگ‌ها، حلقه‌ها در کنار هم دور النگو لحیم‌کاری شده‌اند، سپس سنگ‌ها در محل خود قرار گرفته و با استفاده از چکش و قلم در جای خود محکم شده‌اند. در دو انتهای دست‌بند سوراخ‌هایی وجود دارد که برای عبور دادن تسمه یا زنجیر بوده است (شکل ۴ ب). نمونه سوم: دست‌بند (النگو) مکشوفه از گورستان سیاه دره از جنس مفرغ است. این دست‌بند با قطر ۶/۲ سانتی‌متر به شماره ثبتی ۳۷۴۷ در موزه ملی نگهداری می‌شود. فن ساخت این دست‌بند به روش چکش‌کاری بوده است. این دست‌بند از پیچیده شدن (مارپیچ) دو قطعه مفتول به دور همدیگر درست شده است و در آخر با ضربات چکش به هم محکم شده است (شکل ۴ ج). نمونه چهارم: دست‌بند (النگو) مکشوفه از گورستان سیاه دره از جنس مفرغ و آهن است. این دست‌بند با قطر ۴/۹ سانتی‌متر به شماره ثبتی ۳۶۸۲ در موزه ملی نگهداری می‌شود. فن ساخت این دست‌بند به روش چکش‌کاری بوده است. لازم به ذکر است که مهره آهنی که در وسط دست‌بند قرار دارد به همین روش به دست‌بند نصب شده است. دو انتهای دست‌بند به بیرون برگشته است (شکل ۴ د).



شکل ۴- دست‌بندهای زرین عمارلو و مفرغ سیاه دره گیلان، ساسانی (منبع: آرشیو موزه ملی، ۱۴۰۰)

نمونه پنجم: دست‌بند (النگو) مکشوفه از گورستان پهلوج لفور سوادکوه از جنس مفرغ است. روی این دست‌بند نقوش حصیری (زیگزاگ) و همچنین تصویر صورت انسان و یک درخت قابل مشاهده است. نقش درخت به کار رفته روی این دست‌بند الهام گرفته از طبیعت منطقه است و به احتمال زیاد به دلیل جنبه‌های درمانی و شفابخشی که برخی از درختان و گیاهان دارند از این نقوش استفاده شده است. فن ساخت این دست‌بند به روش موم ذوب‌شده است (شکل ۵ الف). نمونه ششم: دست‌بند مکشوفه از گورستان پهلوج لفور سوادکوه از جنس سنگ فیروزه بوده است. این دست‌بند از ۵۶ عدد مهره ریز به رنگ آبی و از جنس سنگ فیروزه ساخته شده است (شکل ۵ ب). تمامی مهره‌ها از تراش سنگ فیروزه در ابعاد کوچک ساخته شده‌اند و در قسمت وسط دارای سوراخی ریز برای عبور نخ هستند (عابدینی، ۱۳۸۷). در خصوص سنگ فیروزه، بسیاری مردم از گذشته بسیار دور تاکنون بر این باور بوده و هنوز هستند که این سنگ به خاطر آرامش‌بخشی انسان آفریده شده و سنگی مقدس و طلسم خوشبختی و خوش‌شانسی است. از سنگ فیروزه برای تزیینات استفاده می‌کردند و بر این باور بودند که این گوهر خوش رنگ آن‌ها را در برابر مرگ غیرطبیعی محافظت خواهد کرد (محمدی‌زاده، ۱۳۹۲: ۱۰۷).



شکل ۵- دست‌بند از جنس مفرغ و فیروزه، پهلوج لفور، سوادکوه، ساسانی (عابدینی عراقی، ۱۳۸۷)

گوشواره‌ها

از جمله زیورآلاتی که در دوران گذشته اقوام مختلف بدان نهایت علاقه را نشان داده و در گورها به وفور دیده می‌شوند گوشواره‌هایی با اشکال و جنس‌های گوناگون هستند که اغلب در قبور زنان یافت شده است، البته در مواردی گوشواره‌ها در گورهای کودکان و مردان نیز یافت می‌شود. در پی کاوش‌های باستان‌شناسی انجام شده در گورستان‌های دوره ساسانی در منطقه ذکر شده تعداد گوشواره از جنس طلا، نقره، مفرغ و آهن به دست آمده است. در ادامه به دو نمونه از این گوشواره‌ها که از سیاه دره استان گیلان به دست آمده است می‌پردازیم: نمونه اول؛ این لنگه گوشواره مکشوفه از گورستان سیاه دره و از جنس مفرغ و به شکل دایره‌ای با یک طرف پهن و طرف دیگر باریک است. این لنگه گوشواره با قطر ۲/۶ سانتی‌متر به شماره ثبتی ۳۷۴۶ در موزه ملی نگهداری می‌شود. فن ساخت این گوشواره به روش ریخته‌گری بوده و دو انتهای آن با ضربات چکش روی هم محکم شده است. روی سطح این گوشواره حلقه‌ای ساده‌ای برجستگی شکسته‌ای وجود دارد که احتمالاً جای آویز گوشواره بوده است (شکل ۶ الف). نمونه دوم: این یک جفت گوشواره مکشوفه از گورستان سیاه دره و از جنس مفرغ و به شکل دایره است. دو انتهای گوشواره‌ها باریک‌تر از قسمت‌های دیگر گوشواره بوده و به سمت بیرون برگشته‌اند. این گوشواره‌ها با قطر ۲/۲ سانتی‌متر به شماره ثبتی ۳۷۳۲ در موزه ملی نگهداری می‌شود. در فرم دهی این کار با توجه به ظرافت موجود در آن از فن چکش‌کاری استفاده شده است. کار در عین سادگی در نهایت دقت و مهارت ساخته شده است (شکل ۶ ب).



شکل ۶- گوشواره‌های مفرغی، سیاه دره، استان گیلان (منبع، آرشیو موزه ملی، ۱۴۰۰)

قاب دعا

از دیگر وسایل تزئینی مکشوفه از گورستان‌های دوره ساسانی شمال ایران قاب دعا است که به صورت آویز بر روی گردن قرار می‌گرفته است. معمولاً در داخل این شی دعاهایی برای فرد صاحب آن قرار می‌دادند تا سلامت و تندرست باشند و یا از شر نیروهای بد ماوراءالطبیعه در امان بمانند. یک نمونه از این نوع قاب دعا از گورستان پهلوج لفور به دست آمده است، این قاب از جنس نقره بوده و طول آن ۶ سانتی‌متر است. فن ساخت این قاب به صورت ملیله‌کاری است، قطعات با استفاده از لحیم‌های بسیار ظریف در کنار یکدیگر قرار گرفته است. در دو انتها و بدنه این قاب دعا حلقه‌هایی نصب شده که برای عبور نخ یا چرم باریک بوده که بتوانند به گردن آویزان کنند. بدنه این قاب از دوایر متعدد تشکیل شده است (عابدینی عراقی، ۱۳۸۷: ۸۷)، (شکل ۷).



شکل ۷- قاب دعا مکشوفه از گورستان پهلوج لفور سوادکوه (عابدینی عراقی، ۱۳۸۷)

قلاب کمربند

وسیله‌ای کاربردی برای بستن و نگه‌داشتن دو بخش جدا از هم است. بیشتر این قلاب‌های کمربند از فلز ساخته شده است. نمونه ایی از قلاب کمربند مربوط به دوره ساسانی شمال ایران، از محوطه باستانی رشی (گنجوی و همکاران، ۱۳۴۵)، سیاه دره (یاسی و صراف، ۱۳۴۵) و خرم رود (Egami et al. 1966) کشف گردیده است. در ادامه به دو نمونه از این قلاب‌ها می‌پردازیم؛ نمونه اول: قلاب مکشوفه از محوطه رشی از جنس مفرغ و به شکل بیضی بوده که روی آن دارای خطوط برجسته موازی است، این قلاب با قطر ۴/۵ سانتی‌متر، عرض ۴/۷ سانتی‌متر و به شماره ثبتی ۳۵۹۹ در موزه‌ی ملی نگهداری می‌شود. فن ساخت این قلاب به روش ریخته‌گری مومی بوده و سنجاق آن سپس با حلقه کوچکی به آن وصل شده است (شکل ۸ الف). نمونه دوم: قلاب مکشوفه از محوطه سیاه دره از جنس مفرغ و دارای سنجاقی منحنی است. این قلاب با طول ۳/۸ سانتی‌متر و به شماره ثبتی ۳۷۱۱ در موزه‌ی ملی نگهداری می‌شود. فن ساخت این قلاب به روش ریخته‌گری بوده، بدنه و سنجاق هرکدام به صورت جداگانه ساخته شده و سپس سنجاق قلاب به بدنه اصلی وصل شده است (شکل ۸ ب).



شکل ۸- قلاب کمربند، رشی، سیاه دره و خرم رود گیلان، ساسانی (منبع: آرشیو موزه ملی، ۱۴۰۰)

تحلیل نقوش به کار رفته در زیورآلات

انسان از دوران گذشته برای انتقال برخی از پیام و مفاهیم از تصاویر بهره می‌گرفته است. هر تصویری نیاز به خوانش و حتی تفسیر دارد و همان‌طور که شمایل‌نگاری در اصل سعی به بیان معنای تصویر دارد نشانه‌شناسی تلاشی است برای شکافتن مکانیسم معنایی آن. بسیاری از آثار هنری بر جا مانده از دوره ساسانی برمبنای مفاهیم نمادین و مسائل آرمانی و اعتقادی مردم طرح شده‌اند. نقوش دوره‌ی ساسانی را می‌توان به چند دسته تقسیم کرد: نقوش انسانی، نقوش حیوانی، نقوش گیاهی، نقوش هندسی و نقوش حیوانات افسانه‌ای (Harper, 1978: 18). نقوش به کار رفته در زیورآلات دوره ساسانی مکشوفه از محوطه‌ها و گورستان‌های شمال ایران عبارتند از: جانوران افسانه‌ای، نقوش حیوانات (گوزن، مار)، نقوش گیاهی (سرو، درخت) نقوش انسانی و هندسی.

جانور افسانه‌ای (گریفون): انسان برای نشان دادن یک خدا یا یک الهه، از کالبد انسان از نقوش افسانه‌ای استفاده می‌کرده تا آن را به صورت خدای مشخص در آورد. گریفون یا گریفن که به فارسی شیردال نامیده می‌شود، یکی از جانوران اسطوره‌ای مشترک میان بسیاری از اقوام آسیایی و اروپایی است که بدنی مثل شیر و سر و بالی مثل عقاب دارد. گریفون قدرت زمینی شیر را به نیروی آسمانی عقاب پیوند می‌دهد. گریفون بنا به عقاید زردشتی برمبنای دو اصل اساسی نیک و بد استوار است (شوالیه و گربران، ۱۳۷۹، ج ۴: ۷۳۳).

نقوش گیاهی (درخت، سرو): نقش درخت به کار رفته الهام گرفته از طبیعت منطقه است و به احتمال زیاد به دلیل جنبه‌های درمانی و شفابخشی که برخی از درختان و گیاهان است. در نظر ایرانیان درخت سرو از اهمیت زیادی برخوردار بوده و سمبل گیاهی نامیده می‌شود. این درخت به سبب مقاومت در شرایط بد آب و هوایی و همیشه سبز بودن، در هنر و ادبیات ایران نمادی از زندگی، سرخوشی، استقامت و آزادگی است. سرو از درختان مقدس در آیین زرتشت بوده و نماد جاودانگی، زندگی طولانی و حیات پس از مرگ است (مبینی و شافعی، ۱۳۹۴: ۴۷).

نقوش حیوانات (گوزن، مار): انسان بر مینای نگاه خود با استفاده‌های مفید یا خطرانی که از جانب حیوانات متوجه می‌شد، نمادهای خیر و شر به حیوانات نسبت می‌داد.

گوزن: گوزن نماد باروری، ضرب آهنگ (ریتم) رشد و تولد دوباره است. گوزن تصویری باستانی در بیان نو بهار است. گوزن بشارت دهنده‌ی نور، نماد تیزی، چابکی و ترس است. این حیوان در عهد باستان وقف دیانا (آرتمیس) شکارگر باکره بوده است (شوالیه و گربران، ۱۳۷۹، ج ۴: ۷۶۹-۷۷۱).

مار: در باورها قومی و اساطیری علامت پزشکان، جادوگران، رعد و برق و یکی از اشکال متداول روی طلسم‌ها بود که تجسمی از ابرهای باران‌زا، ایزدان زمینی، دریا، دنیای اسفل و رودخانه‌ها را شامل می‌شد. یونانی‌ها معمولاً فکر می‌کردند که خواب و رؤیایاها از جهان زیرین هستند. تصویری که چندان بی‌شبهت به ذهن ناخودآگاه نیست. از این‌رو مار ساکن نماد جهان زیرزمینی طبیعتاً نماد ایزدی شد که از طریق خواب کردن درمان می‌کرد (وارنر، ۱۳۸۶: ۵۳۶).

نقوش انسانی: در بسیاری از سنت‌های، انسان به عنوان ترکیب یا هم‌نهاده‌ای از جهان توصیف شده است. انسان مرکز دنیای نمادهاست (شوالیه و گربران، ۱۳۷۹، ج ۱: ۲۶۱).

نقوش هندسی: این نقوش تأملی درباره وحدت ماوراء طبیعی و تلاشی برای ساختن نمادهای دیداری درباره نظم اصیل که از یگانگی نشأت می‌گیرد (لالر، ۱۳۶۲: ۷۷).

دایره: یکی از راز آمیزترین نمادهای بشری، بازتابی از جهان است (Adkinson, 2009: 566). این نماد، نقطه‌ای گسترده نمادی از زمان، جاودانگی و چرخه طبیعت است و هنگامی که به عنوان مجموعه زنجیره‌ای به هم متصل می‌شوند، نماد حرکت و آسمان می‌شود. دایره نماد ابدیت و جاودانگی است. دایره نماد آسمان، آب، کمال، همگونی، یکدستی و نداشتن اضافات و زوائد است (عابدوست و کاظم‌پور، ۱۳۹۵: ۴۳؛ چنگیز و بلخاری‌قهی، ۱۳۹۵: ۶). دایره متحدالمرکز درجات موجودات و سلسله مراتب مخلوقات را نشان می‌دهد، همچنین نماد دایره به عنوان کامل‌ترین اشکال محفوظ است یونگ^۱ معتقد است دایره با وحدت کامل تطابق دارد (سرلو، ۱۳۸۸: ۳۸۴-۳۸۶؛ گوستاویونگ، ۱۳۹۳: ۳۶۵-۳۷۰).

مثلث: نقش مثلث در نمادشناسی نقوش پیش از تاریخ ایران، نماینده‌ی مفهوم آسمان است. مثلث نمادی از باروری است. مثلث متساوی‌الاضلاع نماد آفریدگار و چون آفریدگار در بهشت استقرار دارد، مثلث الزاماً باید نمایانگر بهشت هم باشد به این خاطر که درجایی که پروردگار است، بهشت هم وجود دارد (چنگیز و بلخاری‌قهی، ۱۳۹۵: ۸).

خطوط زیگزاگی: این خطوط نماد آب، مظهر حیات و یکی از نقوش اصلی تزئین آثار هنری ایران از دیرباز است. این علامت مفهوم آب یا رودخانه یا آب جاری در باغ را می‌رساند (مبینی و شافعی، ۱۳۹۴: ۵۲).

مارپیچ: نماد پیچیده‌ای است از عصر حجر به کار رفته است. مارپیچ هم مظهر نیروهای شمسی و هم قمری است. مظهر هوا، آب‌ها، تندر چرخان و آذرخش، گرداب، قوه آفریننده بزرگ و فیض نیز است (عابدوست و کاظم‌پور، ۱۳۹۵: ۴۹).

خورشید: نقش خورشید برگرفته از طبیعت است و نشان از رابطه‌ی تنگاتنگ انسان با محیط زندگی خود دارد. خورشید برای بومیان هر منطقه حیات و تداوم آن را تلقی می‌کرده است. نماد خورشید، همچنین از مظاهر آیین مهری یا میتراپسم نیز به حساب می‌آید. در باور بسیاری از ملت‌ها اگر خورشید خود خدا نیست، مظهر الوهیت مظهر خدای اورمزدی است. خورشید نماد شهنشاه و قلب مملکت است (شوالیه و گربران، ۱۳۷۹: ج ۴، ۱۱۷-۱۲۰).

نقش چشم بلبلی: اعتقاد به رفع شر و بلا از ادوار گذشته در میان مردمان هر منطقه وجود داشته و انسان همواره به دنبال راهی برای غلبه بر نیروهای ناشناخته در طبیعت که او را محصور کرده بود می‌گشت. این نقش، نمادی از چشم نظرهای امروزی که در گذشته نیز مرسوم بوده است. بلبلی نماد عشق و چشم نماد شناخت و بینش مافوق طبیعت است (شوالیه و گربران، ۱۳۷۹: ج ۲، ۱۰۴-۱۱۴).

^۱ Young

نتیجه‌گیری

هنر جواهرسازی و استفاده از زیورآلات تزئینی در دوران باستان، علاوه بر جنبه زیبایی، وسیله‌ای برای مشخص کردن جایگاه اجتماعی و موقعیت فرد استفاده کننده بوده است. در میان هنرهای دوره ساسانی هنر جواهرسازی و استفاده وسیع از زیورآلات یک تصویر کلی از اوضاع اقتصادی، سیاسی و اجتماعی این دوران را برای ما روشن می‌سازد. با توجه به بررسی صورت گرفته بر روی زیورآلاتی مکشوفه دوره ساسانی در شمال ایران مشخص گردیده است که در ساخت زیورآلاتی نظیر گردنبند، انگشتری، دست بند (النگو)، گوشواره، قاب دعا و قلاب کمربند از فلزاتی همچون طلا، نقره، مفرغ و آهن و انواع سنگ‌های قیمتی (یاقوت) و نیمه قیمتی (فیروزه، لاجورد، عقیق)، خمیره شیشه، گل پخته، انواع صدف و مروارید استفاده شده است، همچنین تعدادی از گورها دارای زیورآلات بیشتر و با ارزش تری نسبت به بقیه گورها هستند. بر همین اساس می‌توان گفت که برخی از افراد دفن شده از لحاظ جایگاه اجتماعی، سیاسی و وضعیت اقتصادی بالاتری نسبت به سایر افراد بهره‌مند بوده‌اند؛ به عبارت دیگر به همان اندازه فرد متوفی در زمان حیات خود در اجتماع دارای جایگاه اجتماعی و اقتصادی بالاتری بوده دارای ساختار قبور بهتر و زیورآلات ارزشمندتری نیز بوده است. در مجموع وجود تضاد طبقاتی در جامعه دوره ساسانی در میان مردمان ساکن در این منطقه به وضوح دیده می‌شود. فن عمده ساخت این زیورآلات ریخته‌گری، چکش کاری بوده و در نمونه‌هایی از فن ملبله‌کاری، لحیم‌کاری، تراش کاری و موم ذوب نیز شده استفاده شده است. در خصوص نقوش به کار رفته بر روی زیورآلات می‌توان گفت: هنرمندان و صنعت‌گران شمال ایران در دوره ساسانی با الهام از طبیعت اطراف و همچنین اعتقادات و باورهای مردمان این منطقه از نقوش جانوران افسانه‌ای (گریفون)، حیوانات (مار و گوزن)، انسانی، نقوش گیاهی و هندسی استفاده کرده‌اند، ولی در برخی از نمونه‌ها هنرمند تنها برای زیباسازی زیورآلات از نقوش استفاده کرده است. زیورآلات مکشوفه در این منطقه از یک روش شکل‌گیری و الگوی ساخت خاصی پیروی کرده‌اند، هرچند زیورآلات از نظر شکل و فرم شبیه هم هستند، اما تفاوتی در تمایزات آن‌ها با یکدیگر وجود دارد که این تفاوت مربوط به تفاوت محلی یا قومی است.

کتاب‌نامه

۱. پلاسعیدی، کتایون، بابایی‌نژاد دریاسری، فیروزه، ۱۳۹۱، «باستان‌شناختی دوران تاریخی استان گیلان، با نگاهی به آثار بخش تاریخی موزه ملی ایران»، مجموعه مقالات هشتاد سال باستان‌شناسی ایران، به کوشش یوسف حسن‌زاده و سیما میری، جلد اول، تهران: انتشارات پازینه. زمستان، صص: ۵۵۶-۵۲۷.
۲. پوپ، آرتور و فیلیپس اکرم، ۱۳۸۷، سیری در هنر ایران از دوران پیش از تاریخ تا امروز، ج دوم (متن) دوره ساسانی، فصل ۳۴، جواهرسازی ساسانی، نوشته فیلیپس اکرم، ترجمه پرویز مرزبان، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۳. جمعی از کارشناسان موزه ملی ایران، ۱۳۹۲، نگاهی بر آرایه‌ها و زیورآلات در ایران زمین، تهران: انتشارات سفیران.
۴. چنگیز، سحر و بلخاری‌قهی، حسن، ۱۳۹۵، «تحلیل نمادهای عددی، هندسی و جانوری در سفالی از نیشابور (با تأکید بر مضامین مذهبی قرن چهارم هجری)»، پژوهشنامه خراسان بزرگ، سال ۷، شماره ۲۵، زمستان، صص: ۱-۱۴.
۵. سرلو، خوان ادوارد، ۱۳۸۸، فرهنگ نمادها، ترجمه مهرانگیز اوحدی، تهران: انتشارات دوستان.
۶. سورتیچی، سامان، ۱۳۸۵، گزارش گمانه‌زنی قلعه‌ی کنگلو سوادکوه، سازمان میراث فرهنگی استان مازندران.
۷. سورتیچی، سامان، ۱۳۹۰، «معرفی شیوه‌ی تدفینی از دوره ساسانی در قلعه کنگلو واقع در سوادکوه مازندران» مجله مطالعات باستان‌شناسی، دوره‌ی ۳، شماره ۲، پاییز و زمستان، شماره‌ی پیاپی ۴، تابستان، صص: ۷۷-۹۲.
۸. شوالیه، ژان؛ گربران، آلن، ۱۳۷۹، فرهنگ نمادها، ترجمه و تحقیق: سودابه فضایل، جلد ۱ و ۴، تهران: انتشارات جیحون.
۹. ضیاء پور، جلیل، ۱۳۴۸، زیورهای زنان از دیرباز تاکنون، تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و مردم.
۱۰. عابد دوست، حسین، کاظم‌پور، زیبا، ۱۳۹۵، «تحلیل ریشه‌ها و مفاهیم نقوش هندسی معماری دوره اسلام در هنر کهن ایرانی»، مجله نگارینه هنر اسلامی، دوره سوم، شماره دهم، تابستان، صص: ۴۱-۸۸.
۱۱. عابدینی عراقی، مهدی، ۱۳۸۷، گزارش کاوش گورستان پهلوچ لفور، سازمان میراث فرهنگی استان مازندران.
۱۲. علائی، علی‌اکبر، ۱۳۴۵، اشیاء مفرغی لرستان، مجله هنر و مردم، شماره ۴۶-۴۵، تابستان، صص: ۴۵-۳۹.

۱۳. غیبی، مهر آسا، ۱۳۹۱، سی‌وپنج هزار سال تاریخ زیورآلات اقوام ایرانی، تهران: انتشارات هیرمند.
۱۴. فرهنگ جغرافیایی کوه‌های کشور، ۱۳۷۹، چاپ اول، جلد چهارم، تهران: انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
۱۵. گوستاویونگ، کارل، ۱۳۹۳، انسان و سمبولهایش، ترجمه: دکتر محمود سلطانی، تهران: انتشارات جامی.
۱۶. لالر، رابرت، ۱۳۶۲، «هندسه قدسی، استعاره نظام عالم»، فصلنامه هنر و معماری، شماره ۳، بهار، صص ۷۶-۸۵.
۱۷. مبینی، مهتاب، شافعی، آزاده، ۱۳۹۴، «نقش گیاهان اساطیری و مقدس در هنر ساسانی (با تأکید بر نقوش برجسته، فلزکاری و گچ‌بری)»، مجله جلوه هنر، شماره ۱۴، پاییز و زمستان، صص: ۴۵-۶۴.
۱۸. محمدی زاده، اکرم، ۱۳۹۲، «کاربرد سنگ فیروزه در زیورآلات ایرانی»، نشریه علمی تخصصی پژوهش هنر، پیاپی ۳، پاییز، صص: ۱۰۷-۱۱۲.
۱۹. وارنر، رکس، ۱۳۸۶، دانشنامه‌ی اساطیر جهان، ترجمه ابوالقاسم اسماعیل پور، تهران: انتشارات اسطوره.
۲۰. ویسهوفر، یوزف، ۱۳۹۰، ایران باستان از ۵۵۰ پیش از میلاد تا ۶۵۰ پس از میلاد، تهران: انتشارات ققنوس.
۲۱. هرمان، جرجینیا، ۱۳۷۳، تجدید حیات هنر و تمدن در ایران باستان، ترجمه مهرداد وحدتی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
۲۲. هینتس، والتر، ۱۳۸۵، یافته‌های تازه از ایران باستان، ترجمه دکتر پرویز رجبی، تهران: انتشارات ققنوس.
۲۳. یاسی، جهانگیر و صراف، محمدرحیم، ۱۳۴۵، دومین گزارش هیئت بررسی و گمانه‌زنی منطقه رودبار (عمارلو، رحمت‌آباد، رستم‌آباد، رودبار) استان گیلان، تهران، آرشیو سازمان میراث فرهنگی کشور، گزارش شماره RA-۱۲۳۳.
۲۴. یاسی، جهانگیر، ۱۳۴۵، اولین گزارش هیئت بررسی و حفاری منطقه رودبار (استان گیلان)، تهران، آرشیو سازمان میراث فرهنگی کشور، گزارش شماره RA-۱۲۳۲.
25. Adkinson, R., 2009, "Sacred Symbols, peoples, religions, mysteries Thames & Hudson. Ecological Discoveries", Iran Today, Vol: II, Serial No 11, pp: 25-28.
26. Harper, P. O., 1978. The Royal Hunter, Art of the Sassanian Empir, Newyork: Asia Socity.
27. Moghadam. M., 1962, The Picturesque Province of Gilan and Its Past, New Archa.
28. Pope, Arthur upham, Ackerman, 1930, Phyllis. A SURVEY OF PERSIAN ART. Vol: II text sasanian periods. Manafzade Group, Teheran.